

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

دیدگاه مرحوم فیض کاشانی

مرحوم فیض بر حسب آنچه که در وافی می‌فرمایند این روایت و این صحیحی ثالثی زراره هیچ ارتباطی به استصحاب ندارد. و همچنین می‌فرمایند از این روایت اصلاً استفاده نمی‌شود که آن یک رکعت مشکوکه یا بگوئیم یک رکعت اضافه باید متصلاً آورده شود یا منفصلاً؟ این مدعای مرحوم فیض است که نه روایت دلالت بر استصحاب دارد و نه از آن فقرات بعدی اتصال انفصال فهمیده می‌شود. می‌فرماید لا ینقض الیقین بالشک مراد از یقین یعنی رکعات متیقّنه، ظاهر کلام امام این است که این رکعات متیقّنه را با حدوث شک نقض نکند و از بین نبرد یعنی نگوید حالا برای من شک حادث شد پس این رکعات کالعدم. با حدوث شک در این رکعات متیقّنه اخلاقی وارد نمی‌شود می‌گوئیم و لا یدخل الشک فی الیقین یعنی چه؟ می‌فرماید مراد از لا یدخل این است که این رکعت مشکوکه را هم به عنوان متیقّن فرض نکند. این و لا یدخل الشک فی الیقین یعنی رکعت مشکوکه را به عنوان متیقّن فرض نکند یعنی بر آن سه رکعت متیقّنه اکتفا نکند! در نتیجه امام (ع) با لا ینقض الیقین بالشک می‌فرماید این سه رکعت سر جای خودش هست و از بین نرفته و با لا یدخل الشک بالیقین می‌فرماید به آن سه رکعت اکتفا نکند و و لا یخلط احدهما بالآخر هم این عطف تفسیری برای و لا یدخل است.

بعد دارد «بل ینقض الشک بالیقین» شک را با یقین نقض کند، یعنی این شک در رکعت چهارم را مبدّل به یقین کند اینطور هم باید یک یقین بیاورد و يتمّ علی الیقین یعنی نمازش را بر حال یقین تمام کند و لا یعتدّ بالشک فی شیء فی حال من الحالات، یک کاری کند که شک از بین برود و اعتنای به شک هم نکند، با شک نمازش را بهم نزنند.

فیض کاشانی می‌فرماید در این روایت متعلق یقین در لا ینقض الیقین یعنی یقین به این رکعات متیقّنه، بالشک یعنی شک در رکعت مشکوکه، یعنی اصلاً دیگر متعلق‌هایشان جدا شد، وقتی متعلق‌ها جدا شد دیگر مجالی برای استصحاب نیست، متعلق یقین می‌شود رکعات متیقّنه و متعلق شک می‌شود رکعت مشکوکه. معنا این است که می‌گوئیم این رکعات متیقّنه را دست نزن و فکر نکن به مجرد شک در آن رکعت مشکوکه این رکعات متیقّنه از بین رفت، این صحیح است، این سه رکعت صحیحاً واقع شده ولو برای تو حالت شک به وجود آمده در رکعت مشکوکه. و لا یدخل یعنی حالا این سه رکعت را هم برایش اکتفا نکن، ادخال نکن شک را در یقین. یعنی این سه رکعتی که آوردی با ادخال شک در یقین که رکعت مشکوکه را هم متیقّن قرار بدهی به این سه رکعت اکتفا نکن.

لکنّه ینقض الشک بالیقین و يتمّ علی الیقین فیبنی علیه و لا یعتدّ بالشک فی حال من الحالات، نتیجه این است که روایت دلالت بر استصحاب ندارد، روایت می‌گوید تو باید یک رکعت بیاوری که یقین پیدا کنیم نمازت درست است اما اینکه یک رکعت را

چطور بیاوری هیچ جای روایت، حتی فقرات میانی روایت هم دلالت ندارد که این یک رکعت را باید منفصلاً بیاورید، این فرمایش فیض است.

#### نقد

اشکال مهمی که بر این فرمایش است این است که متعلق یقین و شک در لا ینقض با آن یتّم علی الیقین، یبنی علی الیقین، ینقض الشک بالیقین تمام اینها فرق پیدا می‌کند در حالی که وحدت سیاق در روایت اقتضا می‌کند تمام اینها متعلقش یکی باشد. طبق بیان مرحوم فیض روایت دلالت بر استصحاب و تقیه و ... ندارد از این جهت خوب است اما از این جهت که وحدت سیاق را کاملاً مرحوم فیض به هم زده این اشکال بر فیض وارد است.

#### نقد دیدگاه محقق اصفهانی

اشکالاتی که بر فرمایش مرحوم محقق اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف وارد است را بیان می‌کنیم؛

1\_ اولین اشکال این است که مرحوم اصفهانی فرمود اگر صلاة احتیاط یک واجب مستقل باشد دیگر مجالی برای استصحاب نیست، چرا؟ چون استصحاب تعبد به همان امر صلاتی اول است، شما وقتی استصحاب می‌کنید عدم اتیان رابعه را با استصحاب می‌گوئید این رابعه‌ای که جزء نماز است و داخل در همان امر صلاتی اول است می‌خواهیم استصحاب کنیم، در حالی که فرض ما این است که نماز احتیاط وجوب مستقل دارد، اشکال ما این است که این وجوب درست است مستقل است ولی مغایر با آن هم نیست و مرتبط با آن وجوب است یعنی این نماز احتیاط ولو قائل شویم به اینکه دارای وجوب مستقل است اما از متمّمات آن مأمور به اول است، اینطور نیست که نماز احتیاط نسبتش به اصل نماز مثل نسبت روزه به نماز باشد، مثل نسبت یک واجب دیگری که یک امر و ملاک دیگری دارد باشد. به عبارت دیگر ملاک تغایر دو تا امر این است که دو ملاک جداگانه باشد، نماز احتیاط ملاکش همان ملاک مأمور به اولی است ولو به حسب ظاهر می‌گوئیم یک امر جدا دارد اما ملاکش همان است بنا بر این منافاتی با آن استصحاب پیدا نمی‌کند.

2\_ اشکال دوم بر مرحوم اصفهانی این است که در این قسمتی که فرمود اگر قائل شویم به اینکه صلاة احتیاط وجوب مستقل ندارد فرمودند لازمه‌اش این است که ما بگوئیم مأمور به صلاتی اول تبدّل پیدا می‌کند به یک نمازی که دارای دو سلام و دو تکبیر است. به عبارت دیگر ایشان فرمود ما از وجوب نماز احتیاط اگر قائل شدیم به اینکه وجوب مستقل ندارد و جزء آن نماز اول است استفاده می‌کنیم که نماز این آدمی که شک بین سه و چهار کرده مأمور به و واجبش دارای دو سلام و دو تکبیر است و باز به یک عبارت سوم فرمود نماز احتیاط ظهور در این دارد که این سلام و تکبیر اضافی در این حالت (یعنی در حالت شک سه و چهار) جزئیّت برای نماز پیدا می‌کند.

مرحوم محقق عراقی می‌گفت ما از ادله‌ی نماز احتیاط استفاده می‌کنیم این سلام و این تکبیر که اضافی هم هستند مانعیّت برای نماز ندارد. حالا می‌خواهیم اینجا فقط به عنوان یک قضاوت مختصری عرض کنیم حق با مرحوم محقق عراقی است، یعنی ما وقتی ظاهر ادله‌ی نماز احتیاط را می‌بینیم، ظاهر ادله نمی‌گوید آدمی که شک می‌کند بین سه و چهار، بر او نمازی واجب است که دو تکبیر و دو سلام دارد به طوری که سلام و تکبیر اضافی جزء بشود برای مأمور به. این ادله‌ی نماز احتیاط می‌گوید شما سلام بده، دوباره تکبیر بگو بعد از این نماز احتیاط دوباره سلام می‌دهی بالأخره یک سلام و یک تکبیر اضافی هم می‌آید اما به عنوان این است که مانعیّت ندارد یعنی همانطوری که مثلاً در نماز جماعت دلیل داریم بر اینکه اگر مأموم از رکوع برخاست دید امام جماعت در رکوع است واجب است که دوباره به رکوع برود، آنجا چطور می‌گویند که رکوع اضافی مخلّ نیست! می‌گویند اشکالی ندارد. اینجا هم دلیل خاص آمده که این مانعیّت ندارد، هیچ فقیهی نمی‌گوید در آنجایی که مأموم بلند شد دید امام جماعت هنوز در رکوع است این هم باید به رکوع برگردد و برگشت این جزء نماز او حساب می‌شود، کسی چنین احتمالی

را نمی‌دهد! و این اشکالی که مرحوم اصفهانی در این فرض دوم داشت که بگوئیم نماز احتیاط وجوب مستقل ندارد چون در ذهن شریف‌تان هست مرحوم اصفهانی اول فرمود چه بگوئیم نماز احتیاط وجوب مستقل دارد و چه بگوئیم وجوب مستقل ندارد مجالی برای استصحاب نیست. ما در فرض اولش گفتیم مانعی ندارد چون این وجوب مغایر نیست در فرض دوم هم کلام اصفهانی مبتنی بر این است که سلام و تکبیر جزئیّت پیدا کند، بعد می‌گوید اگر جزئیّت پیدا کرد دیگر نقض آن صلاة اول و امر اول و بقاء آن صلاة اول نیست، تبدل به وجوب دیگری پیدا کرده، پس این المجال للاستصحاب، ما می‌گوئیم همان امر اول و صلاة اول است، این سلام و این تکبیر مانعیّت ندارد.

بین مرحوم اصفهانی و مرحوم عراقی این اختلاف وجود دارد که مرحوم عراقی ادعایش این است که ادله‌ی صلاة احتیاط می‌گوید اگر واقعاً نماز این آدم ناقص بوده و سه رکعت خوانده بوده و این یک رکعت کم بوده و باید جبران می‌شده مثل این است که از اول چهار رکعت بوده، این تکبیر و سلام اضافه لیس مانعاً عن صحة الصلاة، این حرف مرحوم عراقی است. مرحوم اصفهانی می‌فرماید نه! ما از این ادله‌ی نماز احتیاط استفاده می‌کنیم که با نماز احتیاط یک تکبیر و یک سلام جزئیّت پیدا می‌کند به طوری که مأمور به و وظیفه‌ی این آدم شاک از نمازی که اول یک تکبیر و سلام داشت تبدل پیدا می‌کند به نمازی که دارای دو تکبیر و سلام است، واقعاً اینطور است؟ ظهور عرفی‌اش این است؟

ما به مرحوم اصفهانی می‌گوئیم شما وقتی ادله‌ی احتیاط را یک ملاحظه‌ای کنید ظهور در چه چیز دارد؟ ادله‌ی احتیاط که می‌گوید اگر شما شک بین سه و چهار کردی، سلام بده، بلند شو الله اکبر بگو یک رکعت نماز احتیاط بخوان، دو مرتبه سلام بده که در نتیجه یک تکبیر و یک سلام به این نماز اضافه می‌شود، آیا این تکبیر جزء نماز شد؟ اگر این واقعاً نمازش سه رکعت بوده می‌گوئیم این تکبیر لیس مانعاً عن الصحة. و ما تنظیر کردیم به آن مسئله‌ی رکوع، نه اینکه بخواهیم به آن استدلال کنیم، قیاس هم نمی‌کنیم تنظیر برای تقریب به ذهن است.

مرحوم اصفهانی در حاشیه‌ی خودش بر کلام آخوند (با اینکه آخوند قائل است به اینکه از روایت استصحاب استفاده می‌شود و مرحوم آخوند طوری روایت را معنا کردند که با تقیه هم منافات نداشته باشد) می‌گوید استصحاب از این صحیح‌ی ثالثی زراعه استفاده نمی‌شود.

3\_ قسمت دوم کلام اصفهانی همان بیان فیض است، منتهی بیان فیض را مرحوم اصفهانی یک مقدار فنی‌تر بیان کردند. مرحوم اصفهانی می‌فرماید به قرینه‌ی آن ادله‌ای که می‌گوید صلاة احتیاط باید منفصلاً باشد ما لا ینقض الیقین بالشک را به ثلاث لا به شرط معنا می‌کنیم، این ثلاث لا به شرط یعنی این سه رکعت متیقّنه لا به شرط است، لا به شرط را فرمود در مقابل به شرط شیء و به شرط لا است. اگر ما بیائیم این ثلاث را در اینجا به شرط شیء یا به شرط لا بگیریم دیگر با یک رکعت منفصله‌ی احتیاط سازگاری ندارد، اگر به شرط شیء گرفتیم به این معناست که متصلاً بیاید، به شرط لا هم که گرفتیم به این معناست که اصلاً یک رکعت دیگر نیاید، و حیث اینکه ما دلیل داریم بر اینکه باید یک رکعت منفصلاً به صورت احتیاط بیاید لذا ما می‌گوئیم این ثلاث، ثلاث لا به شرط است. ادعای اصفهانی بعد از اینکه استصحاب را رد کرد این است که ما به قرینه‌ی آن روایاتی که می‌گوید باید نماز احتیاط منفصلاً بیاید یقین را به رکعات متیقّنه معنا می‌کنیم.

همان اشکالی که بر مرحوم فیض داشتیم که وحدت سیاق رعایت نمی‌شود، همان اشکال بر مرحوم محقق اصفهانی هم وارد است. آقایان دیروز اشکال می‌کردند که صدق نقض نمی‌کند، به نظر من صدق نقض می‌کند، چون هم فیض و هم اصفهانی می‌گوید این سه رکعت متیقّنه را با شک نقض نکن یعنی نشکن، یعنی نگویید به درد نمی‌خورد و این سه رکعت را رها کند و بگوید حالا از اول می‌خواهم نماز بخوانم، رکعات متیقّنه را با شک نقض نکن، لذا از حیث نقض اشکالی نیست.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

